

نشریه کتاب و سنت
دانشگاه قرآن و حدیث
مرکز آموزش الکترونیکی

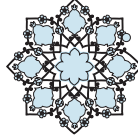
شماره ۵، زمستان ۱۳۹۳

Ketab & Sonnat magazine

Quran & Hadith university

E-learning center

No5, winter1393



فتنه در نهج البلاغه؛ انگیزه‌ها و شیوه‌های مقابله با آن

بتول علوی^۱

چکیده

فتنه، یکی از موضوعات اساسی در نهج البلاغه است، که در دوران امامت حضرت علی علیه السلام وجود داشته و از آفت‌های جامعه اسلامی است. انگیزه‌های فتنه عبارتند از: پیروی از هوای نفس، دنیاپرستی و قدرت‌گرایی خواص بی‌بصیرت، ثروت‌گرایی، تفرقه و برتری‌جویی. راه مقابله با فتنه، عمل بر اساس تقوا، تمسک به قرآن کریم، تمسک به اهل بیت علیهم السلام و اطاعت از رهبری الهی، شناخت مراکز فتنه و افشای اهداف آنان، ثبات قدم و قاطعیت در برخورد با منحرفان، تقویت بصیرت سیاسی، تکیه بر اصول و معیارها، حفظ اتحاد و یکپارچگی و پایبندی به قانون و هوشیاری است. نگارنده بر آن است که در این نوشتار، به بررسی این موضوع از دیدگاه کلام گهربار امیرالمؤمنین، حضرت علی علیه السلام بپردازد.

کلید واژه‌ها: فتنه، انگیزه‌های فتنه، شیوه‌های مقابله با فتنه، امام علی علیه السلام، نهج البلاغه

* تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۴/۱۸

Email: b.alavi_84@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری رشته تفسیر تطبیقی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)



مقدمه

فتنه از موضوعات مهم اجتماعی و سیاسی است که از دیدگاه اسلام، شایسته تحلیل فراگیر است. در جامعه اسلامی، تفرقه و اختلافها به یکباره حادث نمی‌شود، بلکه دست‌های شیطانی به کار می‌افتد و شیوه‌ها و روش‌ها و نقشه‌های دقیق طرح می‌شود، تا زمان باروری توطئه‌ها فرا رسد و آن‌گاه جامعه در برابر فتنه‌ها، قدرت تشخیص حق را از باطل از دست می‌دهد و سر در گریبان می‌شود. حکومت حضرت علی علیه السلام که از اواسط دهه سوم بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز گردید، با فتنه‌های بسیار عمیق و آزمون‌های دشوار همراه بود.

تفاوت عمده تحولات زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام این بود که در دوران رسول اکرم صلی الله علیه و آله مرز میان اسلام و کفر مشخص بود و در اکثر جنگ‌ها، در یک سو اسلام صریح و در سوی دیگر کفر صریح قرار داشت، اما در زمان حضرت علی علیه السلام جنگ‌های رخ داده میان جناح‌های داخلی اسلام بود و طرف‌های مقابل حضرت، نه تنها ظاهراً مسلمان بودند، بلکه سابقه‌داران جهاد و مبارزه در راه اسلام و برخی صحابه و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در آن حضور داشتند. این مسأله موجب شد که نه تنها مردم عادی در تشخیص جبهه حق از باطل دچار مشکل شوند، بلکه حتی برخی از خواص نیز نتوانستند به عمق مسائل آگاهی یابند و حق را از باطل تشخیص دهند و در نتیجه به اشتباه افتادند.

علت اصلی این تردیدها در رفتار خواص و به تبع آن توده‌های مردم در عصر امیرالمؤمنین علیه السلام، حاکم شدن وضعیت فتنه در جامعه بود. به این معنا که در جامعه آن زمان، شرایطی پدیدار شده بود که در آن تشخیص حق از باطل دشوار گشته بود. از این رو، می‌توان گفت فتنه وضعیتی است که حق و باطل با یکدیگر آمیخته شده و حتی با شعارهای فریبنده، به باطل، لباس حق پوشانده می‌شود و همچنین پیشینه و سوابق افراد مدعی حق به گونه‌ای است که امر بر مردم و نخبگان مشتبه شده، آن‌ها را در معرض آزمون سختی قرار می‌دهد.

به واسطه وجود این جریان‌های فتنه‌گر در دوران علی علیه السلام، ایشان در خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار خویش، به‌طور روشن و تفصیلی ویژگی‌های آن‌ها را برشمرده و راه‌های نجات و مصون ماندن جامعه اسلامی از فتنه‌ها و نحوه برخورد با این جریان‌ها را بیان کرده‌اند، که در نهج البلاغه منعکس شده است.

مفهوم‌شناسی فتنه

«فتنه»، مصدر ریشه سه حرفی «ف-ت-ن» است. این واژه در کتب لغت و تفاسیر، دارای معانی گوناگونی



است که عبارت است از: گمراهی، کفر، رسوایی، ابتلاء، امتحان، عبرت، محنت و سختی عذاب، بیماری و جنون.^۱ «فاتین» یعنی گمراه کننده از حق و «فتان» یعنی شیطان، چون انسان را از راه دین گمراه می سازد و مردم را فریب داده، گناهان را در نظر آنان زیبا جلوه می دهد.^۲ در معنای لغوی این واژه، نوعی جداسازی جنس اصیل از اجناس تقلبی و بدلی وجود دارد. راغب اصفهانی در مفردات می گوید: «اصل در معنای فتنه، گداختن طلا و نقره برای جداکردن سره از ناسره آن است.»^۳

در مجمع البحرین چنین آمده است:

فَتِنْتُ الْفِضَّةَ وَ الذَّهَبَ بِالنَّارِ؛ نقره و طلا (برای جدا سازی خالص از ناخالص آن)
با آتش ذوب شدند.

صاحب التحقیق در وجه جمع معانی و کاربردهای متفاوت واژه فتنه می گوید:

اصل این لغت به معنای آنچه که موجب اختلال همراه با اضطراب و نگرانی می شود، است و دارای مصادیقی مانند: اموال، اولاد، اختلاف در رأی و اندیشه، غلو در امری و امثال آن است.^۴

از این رو، به امتحان و آزمایش های دشوار و پیچیده که موجب اضطراب و تزلزل و نگرانی انسان می شود، «فتنه» می گویند.

بنابراین، می توان گفت فتنه در معنای اختلال و اضطراب، مفهومی عام است که معنای دیگری همچون آزمایش و سوزاندن را در بر می گیرد. در حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی، امری را که موجب چنین تزلزل ها و اضطراب هایی در حوزه های اعتقادی، باورها و ارزش های فرد می شود، فتنه می نامند. «فتنه» در نهج البلاغه نیز کاربرد فراوانی دارد و به معنای آزمایش، اختلاف آراء، درگیری و کشمکش بین دو فرد یا دو جریان باطل و آمیختن حق و باطل و یا ایجاد فضایی مبهم و غیرشفاف، گرفتاری و

۱. ابن منظور، محمد؛ لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی (موسسة التاریخ العربی)، ۱۴۱۶ق؛ ج ۱۳، ص ۳۱۷ و فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق؛ ج ۸، ص ۱۲۷ و ابن فارس، ابوالحسین احمد بن زکریا؛ ترتیب مقایس اللغة، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ش؛ ج ۴، ص ۴۷۲.

۲. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۴ق؛ ج ۶، ص ۲۱۷۶ و ابن فارس، ابوالحسین احمد بن زکریا؛ پیشین؛ ج ۴، ص ۴۷۳.

۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن، قم: منشورات طلیعة النور، ۱۴۲۹ق؛ ص ۶۲۳.

۴. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش؛ ج ۶، ص ۲۹۰.

۵. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب؛ ۱۳۶۰ش؛ ج ۷، ص ۳۴۲.





مصیبت، وسوسه و پریشانی افکار به کار رفته است.^۱ البته در بیشتر موارد، منظور حضرت، معنای لغوی و لفظی آن نیست، بلکه یک سری پدیده‌های سیاسی و اجتماعی است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ الْفِتْنَ إِذَا أَقْبَلَتْ شَبَّهَتْ وَإِذَا أَدْبَرَتْ نَبَّهَتْ يُنْكَرُنَ مُقْبِلَاتٍ وَيَعْرِفُنَ مُدْبِرَاتٍ، يَحْمَنَ حَوَمَ الرِّيَّاحِ، يُصِبْنَ بَلَدًا وَيُخْطِئْنَ بَلَدًا؛^۲ فتنه‌ها، آن‌گاه که روی می‌آورند، با حق شباهت دارند و چون پشت می‌کنند، حقیقت چنان که هست، نشان داده می‌شود. فتنه‌ها چون می‌آیند، شناخته نمی‌گردند و چون می‌گذرند، شناخته می‌شوند، فتنه‌ها چون گردبادها می‌چرخند، از همه جا عبور می‌کنند، در بعضی از شهرها حادثه می‌آفرینند و از برخی شهرها می‌گذرند.

با نگاهی به موارد کاربرد واژه فتنه در کلام امیرمؤمنان علیه السلام، درمی‌یابیم که فتنه به حوادث پیچیده‌ای اطلاق می‌شود که ماهیت آن روشن نیست؛ ظاهری فریبنده و باطنی مملو از فساد دارد. جوامع انسانی را به بی‌نظمی، تباهی، دشمنی، جنگ و خونریزی و فساد اموال و اعراض می‌کشاند و غالباً در ابتدا چهره حق به‌جانبی دارد و ساده‌اندیشان را به دنبال خود می‌کشاند و تا مردم از ماهیت آن آگاه شوند، ضربات خود را بر همه‌چیز وارد کرده است.^۳

در مجموع و با توجه به آنچه گفته شد، فتنه ترفندی سیاسی - اجتماعی است که از آمیزش حق و باطل و پنهان نمودن باطل در پوسته حق، با هدف اغفال و فریفتن مردم و برای رسیدن به مقاصدی شوم، طرح‌ریزی می‌شود.^۴

انگیزه‌های وقوع فتنه

آنچه در تمامی جوامع تازه شکل‌گرفته و نوبنیاد، به‌ویژه جوامع و حکومت‌های اسلامی، اهمیت دارد و شاید از اصل تشکیل حکومت مهم‌تر است، حفظ، ادامه و بقای آن حکومت است؛ دستاوردی که حاصل پیمودن راهی طولانی و پرفراز و نشیب و رشادت‌ها و مجاهدت‌های بسیار بوده و اکنون برای

۱. قرشی، سید علی اکبر؛ *مفردات نهج البلاغه*، تهران: نشر قبله، ۱۳۷۷ش؛ ج ۲، ص ۸۰۱ و خوبی، حبیب‌الله؛ *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۵۸ش؛ ج ۴، ص ۲۹۲.

۲. رضی، محمد بن حسین؛ *نهج البلاغه*، مترجم: محمد دشتی، قم: نشر حبیب، ۱۳۸۷ش؛ خطبه ۹۳.

۳. مکارم شیرازی، ناصر؛ *پیام امام امیرالمؤمنین (شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه)*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ش؛ ج ۴، ص ۲۳۶.

۴. شریفی، احمد؛ *موج فتنه از جمل تا جنگ نرم*، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۰ش؛ ص ۴.

بقای آن، رویارویی با سختی‌ها و مشکلات فراوان، اجتناب‌ناپذیر است. سخت‌ترین و پیچیده‌ترین حوادث که گاه ممکن است سرنوشت جوامع را به کلی دستخوش دگرگونی و تغییر سازد، گردباد فتنه‌هاست که هرازگاهی و هر بار به بهانه‌ای، از سویی سر برمی‌آورد و نبض حیات امت‌ها را نشانه می‌رود.

یکی از راه‌های شناخت فتنه، شناخت انگیزه‌های فتنه و فتنه‌گران است که ابعاد و زوایای مختلف فتنه را برای ما هویدا می‌سازد. حضرت امیر علیه السلام، در بخش‌های مختلفی از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصارشان در نهج‌البلاغه، انگیزه‌های فتنه و فتنه‌گران و جوانب مختلف آن را آشکار نموده‌اند که در این بخش به آن خواهیم پرداخت.

۱. پیروی از هوای نفس

هوای نفس، بدترین دشمن آدمی است که انسان را به گناه و انحراف و فتنه‌انگیزی می‌کشاند و شیطان را بر جان آدمی مسلط می‌کند و از او لاشه‌ای باقی می‌گذارد. نفس اماره با داشتن خواهش‌های بی‌پایان، زینت‌آرایی گناه و هموار کردن و آسان‌نمایی جرم‌های سنگین، در به خطر انداختن انسان ید طولایی دارد و اگر بیکه‌تاز صحنه جان شود، عقل را به اسارت می‌گیرد.^۱

هوایپرستی موجب می‌شود در مواردی که خواسته‌های انسان با موازین دینی و الهی سازگاری ندارد، به توجیه رفتارش و یا به تأویل‌های ناشایسته‌ای از معارف دینی دست بزند. از دیدگاه چنین افرادی، معیار ارزش کارها، موافقت و سازگاری با هوس‌ها و خواهش‌های نفسانی آنان است. هر کاری که مطابق امیال و خواسته‌های آنان باشد، خوب و هر کاری که مخالف امیال و اهداف شخصی و گروهی‌شان باشد، بد است. تحلیل روان‌شناختی مسأله به این صورت است که برخی افراد تأثیرگذار در جامعه، از حکومت وقت توقعاتی شخصی دارند، اما می‌بینند توقعات و خواسته‌های آنان به دلیل غیرقانونی و ناعادلانه بودن مورد توجه حکومت عدل قرار نمی‌گیرد. اینان برای تحقق خواسته‌های خود و دستیابی به امیال و هوس‌هایشان اقدام به راه‌اندازی تشکلات، گروه‌ها، حزب‌ها و جبهه‌هایی می‌کنند. آن‌ها ویتترین فعالیت خود را مبارزه با بی‌عدالتی و بی‌قانونی قرار می‌دهند، اما پشت‌پرده اقدامات آنان چیزی جز ریاست‌طلبی و خودخواهی و حب جاه نیست. یکی از نشانه‌های تشکیلات و احزاب فتنه‌انگیز، این است که معمولاً بعد از یک ناکامی و شکست در دستیابی به قدرت تأسیس می‌شوند.

امام علی علیه السلام هوای نفس و خودپرستی را از انگیزه‌های فتنه برمی‌شمرند:

۱. مکارم شیرازی، ناصر؛ پیشین؛ ج ۲، ص ۵۶۲.





إِنَّمَا بَدَأَ وُقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءَ تَتَّبِعُ... يَتَوَلَّى عَلَيْهَا رَجُلًا رَجُلًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ؛^۱ همانا آغاز پدید آمدن فتنه‌ها، هواپرستی است... و گروهی بر گروه دیگر سلطه و ولایت یابند، که بر خلاف دین خداست.

فتنه‌جویان به پیروی از خواهش‌های نفس، دستورات الهی و قوانین و هنجارهای اجتماعی را زیر پا می‌گذارند و اندیشه‌های خود را در برابر آرزوها قربانی می‌کنند، تا شاید به آرزوهای خود همچون حکومت، قدرت و ریاست برسند و در مسیر دستیابی به اهداف نامشروع خویش، بدون توقف و سیری ناپذیر به انواع نیرنگ‌ها، دروغ‌ها، تهمت‌ها، تأویل‌ها و خیانت‌ها دست می‌زنند.^۲

نمونه‌های تاریخی این تحلیل را می‌توان در رفتار برخی خواص بعد از رحلت پیامبر ﷺ مشاهده نمود. زبیر در زمره نخستین کسانی بود که مسلمان شد. او از مهاجران به حبشه و مکه و جزء چهار نفری بود که علیه غصب خلافت، همراه امام علی علیه السلام بود. سلمان فارسی درباره زبیر می‌گوید:

زبیر در یاری رساندن به امیر مؤمنان علیه السلام از همه ما آگاه‌تر بود.^۳

او در تمامی جنگ‌ها شرکت داشت و نقطه‌نقطه تنش مجروح بود. وی از اولین کسانی بود که با امام علی علیه السلام بیعت کرد.^۴ اما چه اتفاقی افتاد که جزء اولین کسانی شد که بیعت را انکار نمود و اولین جنگ را بر آن حضرت تحمیل کرد؟ پس از کشته شدن زبیر، امام علیه السلام بر بالین جنازه‌اش آمدند و شمشیر او را در دست گرفتند و مدتی بر آن گریستند و فرمودند:

با این شمشیر چه بسیار اندوه‌ها از چهره پیامبر صلی الله علیه و آله زدوده شد.^۵

نمونه‌ای از همکاری نفس با شیطان، در جنگ نهروان ظهور پیدا کرد. امام علی علیه السلام بر بالای جنازه کشتگان نهروان فرمودند:

بُؤْسًا لَكُمْ لَقَدْ صَرَكَمُ مَنْ عَرَكَكُمْ فِقِيلَ لَهُ مِنْ غَرَّهُمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ الشَّيْطَانُ الْمُضِلُّ وَالْأَنْفُسُ الْأَمَّارَةُ بِالسُّوءِ عَرَّتْهُمْ بِالْأَمَانِي وَفَسَحَتْ لَهُمُ بِالْمَعَاصِي وَوَعَدَتْهُمْ الْأِظْهَارَ فَاقْتَحَمَتْ

۱. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۵۰.

۲. شریفی، احمد؛ پیشین؛ ص ۵۷.

۳. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران: مكتبة الإسلامية، بی‌تا؛ ج ۲۲، ص ۳۲۹.

۴. ابن اثیر، محمد؛ الكامل فی التاریخ، بیروت: دار التراث العربی، بی‌تا؛ ج ۲، ص ۳۰۲.

۵. یعقوبی، محمد بن اسحاق؛ تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۷۲.

بِهِمُ النَّارُ؛^۱ بدا به حال شما! آن که شما را فریب داد، به شما زیان رساند. پرسیدند: چه کسی آنان را فریفت، ای امیر المؤمنین علیه السلام؟ فرمودند: شیطان گمراه کننده و نفسی که به بدی فرمان می دهد، آنان را با آرزوها مغرور ساخت و راه گناه را برایشان آماده کرد و به آنان وعده پیروزی داد، و سرانجام به آتش جهنم گرفتارشان کرد.

۲. دنیاپرستی و قدرت گرایی خواص بی بصیرت

خواص بی بصیرت نیز مانند مردم عادی در صورت عدم تمایل به مهار شهوت قدرت و ثروت، به آلت دست سران فتنه و ابزار موفقیت جنگ نرم در جامعه مبدل می شوند. این مسأله را نباید فراموش کنیم که با توجه به دسترسی این گروه به منابع کلان جامعه، دنیاطلبی و ثروت اندوزی این افراد، تأثیراتی به مراتب عمیق تر و نگران کننده تر در جهت پیشبرد اهداف جنگ نرم به دنبال خواهد آورد.

عامل اصلی انحراف از حق و جبهه گیری در برابر آن، حبّ دنیا و قدرت گرایی از ناحیه انسان های تشنه قدرت است. دنیا چنان در چشمان فتنه جویان جلوه می کند که تمام ارزش های اسلامی را زیر پا می گذارند و اقدام به براندازی حکومت اسلامی می نمایند. فتنه گران در حقیقت پیاده نظام شیطانند و کژراهه ای را که شیطان برایشان ترسیم می کند، در پیش می گیرند.^۲

اگر دنیا هدف شد، فاجعه ها، فتنه ها، سرکشی ها، خودکامگی ها، قانون شکنی ها، دیکتاتوری ها و... آغاز می شود. دنیا طلبان، برای رسیدن به دنیا با یکدیگر مسابقه می دهند و به نزاع و جنگ می پردازند و مردم را از راه خدا و ارزش های الهی باز می دارند و آنان را به انحراف می کشانند. امام صادق علیه السلام فرموده اند:

حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتْنِ وَ أَصْلُ الْمِحْنِ؛^۳ دوستی دنیا، ریشه فتنه ها و اساس مشکلات است.

امام علی علیه السلام در خطبه ای در تحذیر از فتنه ها می فرماید:

يَتَنَافَسُونَ فِي دُنْيَا دُنْيِيَّةٍ وَيَتَكَالَبُونَ عَلَى حَيْفَةٍ مُرِيحَةٍ؛^۴ آنان در به دست آوردن دنیای پست بر هم سبقت می گیرند و چونان سگ های گرسنه، این مردار را از دست یکدیگر می ربایند.

سیر وقایع هم نشان داد تمامی فتنه گران زمانی به اقدام عملی و تلاش برای جنگ با حضرت علی علیه السلام پرداختند که متوجه شدند امکان ثروت اندوزی و کسب منافع نامشروع و قدرت را به علت عدالت طلبی و

۱. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ حکمت ۳۲۳.

۲. شریفی، احمد؛ پیشین؛ ص ۲۳.

۳. مجلسی، محمد باقر؛ پیشین؛ ج ۷۵، ص ۲۳.

۴. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۵۱.





خون‌خواهی مولا علی علیه السلام از دست خواهند داد. برای مثال، طلحه که زمانی بار نزدیک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، در زمان خلیفه سوم به یکی از سرمایه‌داران بزرگ مبدل شد و هدایای دریافتی او از عثمان شامل درهم‌های بی‌شمار، شمش‌های طلا، باغ‌ها و زمین‌های پردرآمد بالغ بر دویست هزار دینار بود.^۵ زبیر، دیگر فتنه‌گر جنگ جمل، به غیر از مدینه در اسکندریه و کوفه و بصره زمین و خانه داشت و از زندگی تجملی و اشرافی بهره‌مند بود.^۶

در مورد دنیاطلبی و فساد مالی و اخلاقی گسترده معاویه هم به نقل بخشی از نامه عمر و عاص به معاویه در ابتدای خلافت علی علیه السلام اکتفا می‌کنیم که به او هشدار داد:

هر کاری که می‌توانی انجام بده، زیرا فرزند ابوطالب، چنانچه چوب را پوست می‌کند، تو را از هر مال و سرمایه‌ای که داری، جدا خواهد کرد.^۷

سران خوارج نهروان هم بر خلاف ظاهر شب‌زنده‌دار و مؤمنشان، دین را پلی برای رسیدن به دنیا قرار داده بودند؛ همچنان که حضرت علی علیه السلام به زیبایی در خطبه ۳۲ نهج البلاغه به این نکته اشاره کرده‌اند:

وَمِنْهُمْ مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ وَ لَا يَطْلُبُ الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا قَدْ طَامَنَ مِنْ شَخْصِهِ وَ قَارَبَ مِنْ خَطْوِهِ وَ شَمَّرَ مِنْ نُوبِهِ وَ زَخَرَفَ مِنْ نَفْسِهِ لِلْأَمَانَةِ وَ اتَّخَذَ سِتْرَ اللَّهِ ذَرِيعَةً إِلَى الْمَعْصِيَةِ؛^۸
گروه دیگر، آنان که شمشیر کشیده، و شر و فسادشان را آشکار کرده‌اند، لشکرهای پیاده و سواره خود را گرد آورده و خود آماده کشتار دیگرانند. دین را برای به دست آوردن مال دنیا تباه کردند که یا رئیس و فرمانده گروهی شوند، یا به منبری فرارفته، خطبه بخوانند. چه بد تجارتی که دنیا را بهای جان خود بدانی و با آنچه که در نزد خداست، معاوضه نمایی.

به‌طور خلاصه؛ مال‌اندوزی، دنیاخواهی و قدرت‌طلبی خواص بی‌بصیرت، باعث عدم تمایل به درک حق و حقیقت و نافرمانی آنان از حاکمان الهی می‌شود. همچنین، نگرانی خواص بی‌بصیرت از احتمال از دست رفتن منافع نامشروع، این گروه تأثیرگذار جامعه را به سمت کارشکنی، ابهام‌آفرینی، فتنه‌انگیزی و حتی به راه انداختن درگیری و جنگ در جامعه اسلامی متمایل خواهد کرد. این انحراف بزرگ، محدود به دوران صدر اسلام نبوده و جوامع اسلامی در سده‌های مختلف با چنین مشکلی دست و پنجه نرم کرده‌اند.

۵. بلاذری، احمد بن یحیی؛ *جمل من أنساب الأشراف*؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق؛ ج ۶، صص ۱۴۰۷ و ۱۰۸.

۶. ابن سعد، محمد؛ *الطبقات الکبری*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق؛ ج ۳، ص ۱۱۰.

۷. ابن ابی‌الحدید، عزالدین عبدالحمید ابوحامد؛ *شرح نهج البلاغه*، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق؛ ج ۱، ص ۲۷۰.

۸. رضی، محمد بن حسین؛ *پیشین*؛ خطبه ۳۲.

۳. ثروت‌گرایی

یکی از اموری که بستر لازم برای فتنه‌انگیزی را فراهم می‌کند، شیوع شهوت ثروت و پول در میان مردم است. ثروت‌گرایی، مال‌پرستی و رفاه‌زدگی، نه فقط زمینه و بستر فتنه را در جامعه ایجاد می‌نماید، بلکه از جمله مهم‌ترین عوامل فروپاشی و اضمحلال جوامع است. قرآن کریم سنت الهی درباره امت‌های پیشین را چنین بیان می‌کند:

﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِشَتَهَا فِتْلِكَ مَسَاكِينُهُمْ لَمْ تَسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ﴾^۱ و چه بسیار شهرها که هلاکش کردیم، (زیرا) زندگی خوش، آن‌ها را سرمست کرده بود. این است سر‌اهایشان که پس از آنان، جز برای عده کمی مورد سکونت قرار نگرفته است، و ماییم که وارث آنان بودیم.

بررسی تاریخی نیز نشان می‌دهد که منشأ بسیاری از فتنه‌های بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ثروت‌اندوزی و تجمل‌گرایی و مال‌پرستی بود.

۴. تفرقه و برتری‌جویی

گسترش تفرقه و اختلاف در جامعه اسلامی، زمینه را جهت شعله‌ورتر کردن آتش فتنه فراهم می‌کند؛ به این دلیل که این عامل، فرصتی به دشمنان و مخالفان نظام اسلامی برای فتنه‌انگیزی می‌دهد و صفت ردیلهٔ تکبر و برتری‌جویی موجب می‌شود که جامعه نتواند به آرامش لازم برسد.

همواره در میان امت اسلامی، نقش آفرینانی بوده‌اند که در ایجاد وحدت یا تفرقه، نقش اول را داشته‌اند. از اینان که در دو جبههٔ حق و باطل قرار گرفته‌اند و عملکرد، موضع‌گیری و سخن آن‌ها در موج‌آفرینی یا فرو نشانیدن امواج تأثیر به‌سزایی داشته است، به عنوان «خواص» یاد می‌شود. اینان موضع‌گیری و راهی را که انتخاب می‌کنند، از روی فکر و تحلیل است و عوام را به دنبال خود می‌کشاند. اطاعت از خواصی که سررشته‌های امور جامعه و مراکز تصمیم‌سازی و نقش‌آفرینی آن را به دست می‌گیرند؛ اما تکبر و غرور در وجود آنان موج می‌زند و عزت، سربلندی، اشتها و فرماندهی خود را از ناحیهٔ خدا و به واسطهٔ عنایت او نمی‌دانند، بسیار خطرناک است و جامعه را به سمت فتنه و آشوب سوق می‌دهد.

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، خواص جبههٔ باطل در دوران سه خلیفهٔ اول، اندک‌اندک در دستگاه خلافت اسلامی نفوذ کردند. ابتدا در دوران خلیفهٔ اول و دوم بر شام و سپس در دوران عثمانی تقریباً بر





کل جهان اسلام مسلط شدند. افراد شاخص این گروه، کسانی همچون معاویه، عمرو بن عاص، ولید بن عقبه بن ابی معیط و چند تن دیگر بودند که پس از بیعت مردم با امام علی علیه السلام در شام گرد آمدند و جبهه متحدی را علیه حکومت علوی تشکیل دادند و در صفین به جنگ آن حضرت رفتند. در واقع، جنگ صفین تصویر مجددی از جنگ بدر و احد و احزاب بود که بار دیگر اسلام و کفر در برابر هم صف آرایی کردند، اما این بار کفار با شناسنامه اسلامی به جنگ مسلمانان آمدند.^۱ از این رو، حضرت علی علیه السلام خطاب به یاران خود برای جنگ با سپاه شام فرمودند:

به سوی دشمنان خدا و دشمنان سنت‌ها و قرآن بشتابید؛ به طرف بقایای کفار جنگ احزاب و قاتلان مهاجرین و انصار حمله برید.^۲

در جبهه خواص هم بلای دنیاگرایی (به خصوص در دوران فتوحات اسلامی) آنان را از علی علیه السلام جدا کرد. حرص به جمع‌آوری مال و به تعبیر امام علی علیه السلام زرق و برق دنیا، آنان را فریفت و نتوانستند برنامه‌های اصلاح‌طلبانه ایشان را تحمل کنند. هنوز شش ماه از اجرای برنامه‌های عدالت‌خواهانه مولا نگذشته بود که بسیاری از بزرگان صحابه و تابعین و خواص جامعه اسلامی، لب به اعتراض گشودند و هر یک به نوعی به مخالفت با آن حضرت برخاستند. همچنین بزرگان و متنفذین مهاجر و انصار و فرماندهان نامدار زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله که در میان مردم دارای نفوذ و منزلت خاصی بودند، از علی علیه السلام جدا شدند. برخی از این افراد عبارتند از: طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص، اسامة بن زبیر، عبدالله بن عمر، ابوموسی اشعری، زید بن ثابت، حسان بن ثابت، نجاشی، ابوهریره، شریح قاضی، کعب بن مالک، اشعث بن قیس و ده‌ها تن دیگر از فقها، قراء، روات احادیث و برجستگان سیاسی و اجتماعی.^۳

شیوه‌های مبارزه با فتنه در نهج البلاغه

همه کسانی که در مسیر جریان فتنه قرار دارند، اعم از خواص و عوام، در معرض ابتلا و آزمایش هستند. گروهی به مقابله با فتنه برمی‌خیزند، گروهی با فتنه همراه می‌شوند و گروهی می‌خواهند از سقوط در فتنه برهند و خود را از فرو رفتن در گرداب فتنه‌ها به سلامت نجات دهند. حضرت علی علیه السلام شیوه‌های رهایی را در امور گوناگونی مانند ده مورد زیر معرفی می‌کنند.

۱. سلیمانی، جواد؛ «نقش خواص در تضعیف حکومت علی (علیه السلام)»، معرفت، شماره ۲۵، ۱۳۸۱ش؛ ص ۸۲.

۲. منقری، نصر بن مزاحم؛ وقعة صفین، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، بی تا؛ ص ۴۹.

۳. رک: تستری، محمد تقی؛ قاموس الرجال.

۱. عمل بر اساس تقوا

انسان به دید و درک نیرومند، روشن بینی شگرف و نورانیت فوق العاده‌ای در برابر تشخیص حق از باطل نیازمند است، تا به یاری آن، دیده‌اش حقیقت‌یاب شود. این قوه نیرومند و بصیرت‌بخش، «تقوا» است. رعایت تقوای الهی در فضای فتنه به این معناست که تمامی تصمیمات انسان فقط بر اساس امور یقینی باشد و از مسائل شبهه‌ناک و گوش دادن به شایعات، بیش از هر زمان دیگری بپرهیزد.^۱

امام علی علیه السلام به نقش تقوا در هنگام فتنه این‌گونه اشاره می‌کند:

وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتَنِ وَ نُورًا مِنَ الظُّلْمِ؛^۲ آگاه باشید آن کس که تقوا پیشه کند و از خدا بترسد، از فتنه‌ها نجات می‌یابد.

پس به رشته‌های تقوا چنگ زنید و به حقیقت‌های آن پناه آورید، تا شما را به سرمنزل آرامش و جایگاه‌های وسیع و پناهگاه‌های محکم و منزلگاه‌های پر عزت برساند.^۳

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۹۱ نیز می‌فرماید:

فَإِنَّ التَّقْوَى فِي الْيَوْمِ الْحَرُزُّ وَالْجَنَّةُ وَ فِي عَدِ الطَّرِيقِ إِلَى الْجَنَّةِ؛^۴ تقوا، امروز سپر بلا، و فردا راه رسیدن به بهشت است.

اگر جامعه به چنین سلاح محکمی مجهز شود، فتنه‌گران هرگز توان مقابله با آنان را نخواهند داشت. تقوا، مانع دنیاگرایی انسان می‌شود و او را همواره به منزل آخرت راهنمایی می‌کند و ارزش‌های والایی را در مقابل او قرار می‌دهد.

۲. تمسک به قرآن کریم

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۷ نهج‌البلاغه در مورد جهل مردم زمانه در برابر معارف حقیقی و راستین قرآن می‌فرماید:

إِلَى اللَّهِ أَشْكُو مِنْ مَعْشَرٍ يَعِيشُونَ جَهَالًا وَ يَمُوتُونَ ضَلَالًا لَا لَيْسَ فِيهِمْ سِلْعَةٌ أَبْوَرُ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تَلَى حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَ لَا سِلْعَةٌ أَنْفَقَ بَيْعًا وَ لَا أَغْلَى ثَمَنًا مِنَ الْكِتَابِ إِذَا حُرِّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ

۱. شریفی، احمد؛ پیشین؛ ص ۱۴۳.

۲. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۸۳.

۳. همان؛ خطبه ۱۸۶.

۴. همان؛ خطبه ۱۹۱.





لَا عِنْدَهُمْ أَنْكَرٌ مِنَ الْمَعْرُوفِ وَلَا أَعْرَفُ مِنَ الْمُنْكَرِ! به خدا شکایت می‌کنم از مردمی که در جهالت زندگی می‌کنند و با گمراهی می‌میرند، در میان آنها، کالایی خوارتر از قرآن نیست؛ اگر آن را آن‌گونه که باید بخوانند، و متاعی سودآورتر و گران‌بهارتر از قرآن نیست؛ اگر آن را تحریف کنند، و در نزد آنان، چیزی زشت‌تر از معروف و نیکوتر از منکر نیست.

نگرانی مولا علی علیه السلام از نادان ماندن مردم و مرگ آنها در گمراهی و بدون درک معارف و حقایق دین، به‌خوبی در این خطبه منعکس شده است. امام در این خطبه به‌روشنی هشدار داده‌اند که جهل و نادانی مردم، زمینه را برای تحریف واقعیت در نزد آنان و جابجایی معروف و منکر فراهم می‌آورد؛ امری که فتنه‌انگیزی در جامعه اسلامی و فریب مردم را تسهیل می‌کند.

قرآن کریم، میثاق و منشور وحدت تمامی مسلمانان است که تمسک و اهتمام به آن، می‌تواند به عنوان گامی راسخ و استوار، آتش فتنه‌ها را خاموش کند و اخوت و الفت را میان مسلمانان باز گرداند، زیرا قرآن کریم نامش بصیرت و آگاهی و نور و هدایت و تأمین‌کننده سعادت دنیا و آخرت انسان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ^۲ آن هنگام که فتنه‌ها، همانند پاره‌های شب تاریک شما را فرو گرفت، بر شما باد به (انس با) قرآن؛ چرا که قرآن شفاعت‌کننده‌ای است که شفاعت او پذیرفته می‌شود.

تمسک به قرآن، به عنوان راه‌هایی و رستگاری انسان، به‌ویژه در هنگام وقوع فتنه‌هاست. کسانی که قرآن و معارف قرآنی را محور زندگی خود قرار دهند، از آسیب‌های فتنه‌گران در امان خواهند بود؛ همان‌گونه که حضرت علی علیه السلام در بیان نقش و اهمیت قرآن در زدودن شبهه‌ها و تردیدها می‌فرمایند:

وَعَلَيْكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ، فَإِنَّهُ الْحُبْلُ الْمَتِينُ وَالنُّورُ الْمُبِينُ وَالشِّفَاءُ النَّافِعُ وَالرَّيُّ النَّافِعُ وَالْعِصْمَةُ لِلْمُتَمَسِّكِ وَالنَّجَاةُ لِلْمُتَعَلِّقِ، لَا يَعْوَجُ فَيَقَامُ وَلَا يَزِيغُ فَيَسْتَعْتَبُ وَلَا تُخْلِقُهُ كَثْرَةُ الرَّدِّ وَوُلُوجُ السَّمْعِ مَنْ قَالَ بِهِ صَدَقَ وَمَنْ عَمِلَ بِهِ سَبَقَ^۳؛ بر شما باد عمل کردن به قرآن که ریسان محکم الهی و نور آشکار و درمانی سودمند است که تشنگی را فرو نشاند؛ نگهدارنده کسی است که به آن تمسک جوید و نجات‌دهنده آن کس است که به آن چنگ آویزد؛ کجی ندارد تا

۱. همان؛ خطبه ۱۷.

۲. مجلسی، محمدباقر؛ پیشین؛ ج ۸۹، ص ۱۷.

۳. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۵۵.



راست شود و گرایش به باطل ندارد تا از آن بازگردانده شود و تکرار و شنیدن پیاپی آیات، کهنه‌اش نمی‌سازد و گوش از شنیدن آن خسته نمی‌شود. کسی که با قرآن سخن بگوید، راست گفته و هر کس به آن عمل کند، پیشتاز است.

۳. تمسک به اهل بیت (علیهم السلام) و اطاعت از رهبری الهی

پیروی از کسانی که حجت خدا، چراغ پرفروغ هدایت و راسخون در علم هستند و به اسرار و ماهیت فتنه‌گران و شیوه‌ها و اهداف آنان آگاهند و راه را از چاه تشخیص می‌دهند، یکی دیگر از راه‌های مقابله با فتنه است. اهل بیت علیهم السلام، کشتی‌های نجات و عامل رستگاری هستند. این سفارشی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای نجات از فتنه‌های بعد از خود به برخی از یارانشان کردند. آن حضرت خطاب به عمار فرمودند:

يَا عَمَّارُ سَتَكُونُ بَعْدِي فِتْنَةٌ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَاتَّبِعْ عَلِيًّا وَحِزْبَهُ فَإِنَّهُ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَهُ يَا عَمَّارُ إِنَّكَ سَتُقَاتِلُ بَعْدِي مَعَ عَلِيٍّ صِنْفَيْنِ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ ثُمَّ تَقْتُلُكَ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ؛^۱ ای عمار! بعد از من فتنه‌هایی رخ خواهد داد. در آن شرایط، از علی و حزب علی پیروی کن؛ چرا که علی با حق است و حق با علی....

چون قرآن نیازمند به تفسیر و تبیین دائمی است، پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بارها و بارها حق را به همراهان دائمی قرآن واگذار نموده‌اند. حدیث ثقلین یکی از این موارد است. در قرآن نیز به همراهان دائمی قرآن اشاره شده است: ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ﴾؛^۲ اهل ذکر یعنی اهل قرآن. مردم بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله چگونه می‌توانند به این آیه عمل کنند؟ اگر بعد از پیامبر، اهل ذکر وجود نداشته باشد، این آیه لغو خواهد بود و لغو در حکیم راه ندارد؛ آن‌هایی گرفتار لغو و هواپرستی شدند که نسبت هذیان به پیامبر صلی الله علیه و آله دادند و نخواستند و نگذاشتند جایگاه اهل ذکر در جامعه تثبیت شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مردم به شناسایی ما و مراجعه به ما و تسلیم شدن (در برابر دستورات و گفتار ما ائمه) مأمورند.

سپس در ادامه فرمودند:

۱. خزازی قمی رازی، علی بن محمد؛ کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، قم: انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۷ش؛ ص ۱۲۲.

۲. نحل، ۴۳؛ انبیاء، ۷۰.



اگرچه روزه بگیرند و نماز گزارند و گواهی دهند که معبودی جز خدای یگانه نیست، ولی پیش خود فکر کنند که به ما مراجعه نکنند، به همین گفتار مشر کند.^۱

از این رو، حضرت در سخنان متعددی، در هنگام وقوع فتنه‌ها، افراد را به پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام فرا می‌خواند؛ از جمله در خطبه‌ای که بعد از فتنهٔ سقیفه بیان فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ شَقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُنَنِ النَّجَاةِ وَ عَرَّجُوا عَنْ طَرِيقِ الْمُنَافَرَةِ وَ صَعُّوا تَيْجَانَ الْمُنَافَرَةِ؛^۲ ای مردم! امواج فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات در هم بشکنید و از راه اختلاف و پراکندگی بپرهیزید و تاج‌های فخر و برتری جویی را بر زمین نهد.

در حدیثی از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که میان علمای اسلام متواتر است، آمده:

إنَّما مثل أهل بيتي كمثل سفينة نوح، من ركبها نجا من تخلف عنها غرق؛^۳ مثل اهل بیت من در میان امتم، همانند کشتی نوح است. هر که در آن سوار شد، نجات پیدا کرد و هر که به آن پناه نبرد، غرق شد.

پیشوایان معصوم علیهم‌السلام از آن رو که از خاندان وحی و نبوت‌اند و به فرمودهٔ حضرت علی علیه‌السلام دین را چنان که سزاوار است، دانستند و به آن عمل کردند، گفتار و کردارشان الگویی عینی و عملی است در تمسک به قرآن و نجات از فتنه‌های ناهمگون و هلاک‌کننده‌ای که همواره ایمان و باورهای دینی مسلمانان را تهدید می‌کند.

از این رو، حضرت خطاب به مردمی که در بدعت‌ها و شبهات گرفتار آمده‌اند، می‌فرماید:

فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ وَ أَتَى تُوْفُكُونَ وَ الْأَعْلَامُ قَائِمَةٌ وَ الْآيَاتُ وَاصِحَّةٌ وَ الْمَنَارُ مَنْصُوبَةٌ فَأَيْنَ يَتَاهُ بِكُمْ وَ كَيْفَ تَعْمَهُونَ وَ بَيْنَكُمْ عِزَّةٌ نَبِيَّكُمْ وَ هُمْ أَزْمَةُ الْحَقِّ وَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَ أَلْسِنَةُ الصِّدْقِ فَأَنْزَلُوهُمْ بِأَحْسَنِ مَنَازِلِ الْقُرْآنِ وَ رِدُّوهُمْ وَرُدُّوا إِلَيْهِمُ الْعِطَاشِ أَيُّهَا النَّاسُ خُذُواهَا عَنْ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ص إِنَّهُ يَمُوتُ مَنْ مَاتَ مِنَّا وَ كَيْسَ بِمَيْتٍ وَ يَبُلُّ مَنْ بَلَى مِنَّا وَ كَيْسَ بِبَالٍ فَلَا تَقُولُوا بَأْسًا تَعْرِفُونَ فَإِنَّ أَكْثَرَ الْحَقِّ فِيهَا تُنْكِرُونَ؛^۴ مردم! کجا می‌روید؟ چرا از حق منحرف می‌شوید؟ پرچم‌های حق برپاست و نشانه‌های آن آشکار است، با این که چراغ‌های هدایت روشن‌گر راهند،

۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ پیشین؛ ج ۴، ص ۱۱۴.

۲. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۵.

۳. حلی، ابن ادریس؛ *السرائر*، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۱ق؛ ص ۶۷۹.

۴. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۸۷.



همچون گمراهان به کجا می‌روید؟ چرا سرگردانید؟ در حالی که عترت پیامبر شما در میان شماست؛ آن‌ها زمامداران حق و یقین‌اند؛ پیشوایان دین و زبان‌های راستی و راستگویان هستند؛ پس باید در بهترین منازل قرآن جایشان دهید و همانند تشنگان که به سوی آب شتابانند، به سویشان هجوم آورید. ای مردم! این حقیقت را از خاتم پیامبران بیاموزید که فرمودند: هر که از ما می‌میرد، در حقیقت نمرده است و چیزی از ما کهنه نمی‌شود. پس آنچه نمی‌دانید، نگوئید، زیرا بسیاری از حقایق در اموری است که ناگاهانه انکار می‌کنید.

با استفاده از این بیانات نورانی حضرت علی علیه السلام، درمی‌یابیم که از متقن‌ترین راه‌های رهایی از فتنه‌ها، تمسک به اهل بیت علیهم السلام و فاصله نگرفتن از این بزرگواران است.

۴. شکیبایی و مدارا

از شیوه‌های دیگر در برخورد با فتنه‌ها، آن‌گاه که گفت‌وگوها و روشنگریها به نتیجه نمی‌رسد، مدارا و شکیبایی است. چنین نبود که امام بی‌درنگ با مخالفان برخورد خشونت‌آمیز کنند. کسانی که تا فتنه‌ای برپا می‌شود، خود را می‌بازند و به سوی فتنه‌گر جذب می‌شوند، فاقد ایمان استوارند، و نداشتن استقامت و صبر، از کمبود ایمان آنان ناشی می‌شود. فتنه‌گران تلاش می‌کنند با مشوّش کردن اذهان در اصول اسلام و در مورد رهبری که با انواع اتهام‌ها و بی‌حرمتی‌ها _ چه مستقیم و چه غیرمستقیم _ انجام می‌شود، هم مکتب را بکوبند و هم رهبری آن را. در اینجا مردم باید در امر اطاعت صابر باشند، تا وسوسه‌ها کارگر نیفتد و بعد از فرونشستن فتنه، با بینایی کامل بتوانند حقایق را روشن‌تر ببینند. با صبر بر طاعت و صبر بر ترک معصیت، نقشه فتنه‌گران خنثی می‌شود؛ چرا که برای مثال، غیبت، شایعه‌سازی و اتهام زدن، معصیت‌هایی هستند که فتنه‌گران از آن در جهت برنامه‌های سازماندهی شده خود بسیار استفاده می‌کنند و لذا جامعه اسلامی با خودداری از آن‌ها و ترک این معصیت‌ها و صبر بر آن‌ها، چنین امکانی را برای آنان به وجود نمی‌آورد و حلقه‌ای از زنجیر توطئه آنان نمی‌شود.

البته مدارا تا جایی است که فتنه‌گران نسبت به حکومت جری و گستاخ نشوند و از حدود الهی خارج نشوند. برای مثال، امام علی علیه السلام با آن که از انگیزه اصلی طلحه و زبیر برای رفتن به مکه آگاه بودند و می‌دانستند جز جنگ افروزی هدف دیگری ندارند، با آنان مدارا کردند و در پاسخ به پیشنهاد ابن عباس که از حضرت می‌خواست آن دو را زندانی کنند و از رفتن به مکه باز دارند، ایشان نپذیرفتند و راه مدارا را در پیش گرفتند.

آن حضرت در برخورد با خوارج نیز همین روش را برگزیدند. حتی گستاخی خوارج به جایی رسیده



بود که بارها به هنگام ایراد خطبه از سوی آن حضرت، سخنان ایشان را قطع می‌کردند و شعار می‌دادند:

به حکمیت تن دادی و پستی را پذیرفتی، حکم جز خدا را نیست.^۱

اما عکس‌العمل امام در مقابل آنان این بود که شما را از نماز گزاردن در مساجد باز نمی‌داریم؛ سهمیه بیت‌المالتان را قطع نمی‌کنیم و تا زمانی که دست به شمشیر نبرده و علیه نظام اسلامی توطئه نکرده‌اید، با شما نمی‌جنگیم.^۲

۵. شناخت مراکز فتنه و افشای اهداف آنان

با شناسایی طراحان فتنه و آشکار نمودن اهداف و انگیزه آنان، می‌توان به دو هدف دست یافت: نخست این که طراحان فتنه و فتنه‌انگیزان به مردم معرفی می‌شوند و دوم این که بدین وسیله مردم به اهداف شوم فتنه‌گران پی می‌برند و در دام آنان گرفتار نمی‌شوند. حضرت علی علیه السلام با شناسایی مراکز فتنه‌انگیزی مانند معاویه و خوارج، آنان را به مردم معرفی نمودند و نقاب از چهره فریبکار آنان برداشتند. ایشان در نامه‌ای به معاویه فرمودند:

فَأَحْذَرُ الشُّبُهَةَ وَ اشْتِئْنَا عَلَى لُبْسِهَا فَإِنَّ الْفِتْنَةَ طَالَمَا أَغْدَفَتْ جَلَابِيهَا وَ أَغْشَتْ الْأَبْصَارَ ظُلْمَتُهَا^۳ از شبهه و حق‌پوشی پرهیز، زیرا فتنه‌ها دیر زمانی است که پرده‌های سیاه خود را گسترانده و دیده‌هایی را کور کرده است.

هر انسانی برای خوب زیستن نیازمند دو نوع آگاهی است: آگاهی نسبت به خوبی‌ها و آگاهی نسبت به بدی‌ها. به همین دلیل، می‌توان گفت یکی از راه‌های مبارزه با فتنه‌ها، تقویت دانش دشمن‌شناسی است. اگر کسی می‌خواهد راه حق را طی نماید و در صراط حق استوار بماند، حتماً نیازمند شناخت راه باطل و باطل‌گرایان است. یکی از راه‌های تشخیص حق و باطل، برای بسیاری از مردمان عادی، شناخت اهل باطل است. امام علی علیه السلام نیز بر این حقیقت تأکید می‌کنند که: «هرگز به حقیقت و سعادت دست نمی‌یابید؛ مگر آن که روی برتافتگان از راه حق و درماندگان از سعادت را بشناسید.»^۴

۶. ثبات قدم و قاطعیت در برخورد با منحرفان

هرگاه جامعه به فتنه دچار شد و جلوه‌های آن پدیدار گشت، نباید دچار احساسات، تزلزل و تردید شد و

۱. شریفی، احمد؛ پیشین؛ ص ۵۴.

۲. ابن ابی الحدید، عزالدین عبدالحمید ابوحامد؛ پیشین؛ مقدمه.

۳. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ نامه ۶۵.

۴. همان؛ خطبه ۱۴۷.



شتابزده بدون مطالعه و بررسی آگاهانه و همه‌جانبه وارد معرکه گردید. هنگام بروز فتنه، فتنه‌جویان به باطل خود، لباس حق می‌پوشانند و با ترفندهای مختلف، چهره حق را مورد هجمه قرار می‌دهند. در چنین زمانی، ممکن است مردم فتنه را نشانند و چه بسا به استقبال آن روند و از آن حمایت کنند. بنابراین، هنگام بروز فتنه باید ثابت‌قدم بود و اقدام جسورانه و انقلابی علیه دشمنان داخلی و خارجی انجام داد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

وقتی فتنه فرا می‌رسد، مانند جوانی است که در عنفوان جوانی به سر می‌برد.^۱

کنایه از این که آغاز فتنه همانند دوران جوانی بسیار شاداب، جذاب و پرنشاط است. اما وقتی آتش فتنه خاموش شد و پرده‌ها کنار رفت، «سیمای زشت آن چون آثار باقیمانده بر سنگ‌های سخت، زشت و دیرپاست. ... طولی نمی‌کشد که پیرو از رهبر و رهبر از پیرو بیزاری می‌جوید و با بغض و کینه از هم جدا می‌شوند و به هنگام ملاقات، همدیگر را نفرین می‌کنند.»^۲ از این رو، هنگام فتنه میبایست ثابت‌قدم بود و بر اساس احساسات و حدس و گمان موضع‌گیری نکرد.

به فرموده امیرالمؤمنین علی علیه السلام:

وَتَبَتُّوْا فِي قَتَامِ الْعِشْوَةِ وَاعْوَجَّاجِ الْفِتْنَةِ عِنْدَ طُلُوعِ جَنِينِهَا وَظُهُورِ كَمِينِهَا وَانْتِصَابِ قُطْبِهَا؛^۳
و در فتنه‌های در هم پیچیده، به هنگام پیدایش نوزاد فتنه‌ها و آشکار شدن باطن آن‌ها و برقرار شدن قطب و مدار آسیای آن، با آگاهی قدم بردارید.

۷. تقویت بصیرت سیاسی

در فتنه‌ها عامل اصلی شناخت و درک درست داشتن، بصیرت است. بصیرت، چراغی است که همواره روشنگر و نجات‌بخش انسان از گمراهی‌هاست و به انسان قدرت می‌دهد تا با حق محوری، راه صواب را از ناصواب تشخیص دهد و راه حق را برگزیند. در سایه بصیرت است که حق و باطل، به خوبی آشکار می‌شود و انسان از ظواهر اشیاء و حوادث عبور می‌کند و به درکی فراتر از چهره ظاهری آن‌ها نائل می‌آید؛ چنان که حضرت علی علیه السلام فرمودند:

من بودم که چشم فتنه را کور کردم و کسی جز من جرأت آن را نداشت و این نبود مگر به

۱. همان؛ خطبه ۱۵۱.

۲. همان.

۳. همان.



دلیل بصیرت و یقینی که از پروردگار داشتیم.^۱

۸. تکیه بر اصول و معیارها

از جمله شیوه‌های مقابله با فتنه در جامعه، تکیه بر اصول و معیارهاست. اصول و ارزش‌ها، قابل شناخت و آگاهی است و به‌رغم پیچیدگی‌ها و دشواری‌های موجود، حق و باطل را می‌توان از طریق خود حق و باطل و معیارهای آن شناخت و آن‌گاه با تکیه بر معیارهای حق و باطل و محک قرار دادن آن، به شناسایی مصادیق و افراد پرداخت.

حضرت علی علیه السلام به حارث بن حوط که دو قطبی شدن جامعه برای او غیر قابل باور بود، فرمودند:
 يَا حَارِثُ إِنَّكَ نَظَرْتَ مَحْتَكَ وَ لَمْ تَنْظُرْ فَوْقَكَ فَحَرَّتْ إِنْكَ لَمْ تَعْرِفِ الْحَقَّ فَتَعْرِفَ مَنْ أْتَاهُ وَ لَمْ تَعْرِفِ الْبَاطِلَ فَتَعْرِفَ مَنْ أْتَاهُ؛^۲ ای حارث! تو زیر پای خود را دیدی، اما به پیرامونت نگاه نکردی، پس سرگردان شدی؛ تو حق را نشناختی تا بدانی که اهل حق چه کسانی هستند و باطل را نیز نشناختی تا باطل‌گرایان را بشناسی.

۹. حفظ اتحاد و یکپارچگی و پایبندی به قانون

مولای متقیان در نصایحی به لزوم حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه و نفاق به عنوان راهکار اصلی و عملی در جلوگیری از به ثمر نشستن نهال فتنه‌ها اشاره کرده و فرموده‌اند:

همانا شیطان راه‌های خود را به شما آسان جلوه می‌دهد، تا گره‌های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید و به جای وحدت و هماهنگی، بر پراکندگی شما بیفزاید و در پراکندگی، شما را دچار فتنه گرداند. از وسوسه و زمزمه و فریبکاری شیطان روی گردانید و نصیحت آن کس را که خیر خواه شماست، گوش کنید و به جان و دل بپذیرید.^۳

ای مردم! امواج فتنه‌ها را با کشتی نجات (اهل بیت پیامبر و رهبران الهی) در هم بشکنید و از راه اختلاف و پراکندگی پرهیزید و تاج‌های فخر و برتری جوئی را بر زمین نهد. رستگار شد آن کس که با یاران به پا خاست یا کناره‌گیری نمود و مردم را آسوده گذاشت.^۴

۱. همان؛ نامه ۶۲.

۲. همان؛ حکمت ۲۵۴.

۳. همان؛ خطبه ۱۲۱.

۴. همان؛ خطبه ۵.



آری؛ اختلاف آتشی است که اگر در گلستان امتی افتد، آن را به خاکستر تبدیل می‌کند؛ از این رو، شاید چیزی زیانبارتر از این بلای بزرگ، امت‌ها را تهدید نکند و حربه‌ای کوبنده‌تر از آن در دست دشمن نباشد. مردم باید از قوانین و دستورات الهی که ضامن بقای جامعه اسلامی و اطاعت پروردگار است، پیروی کنند، زیرا راه نجات از فتنه، تبعیت از دستورات دین و حفظ وحدت و یکپارچگی است.^۱ امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

فَلَا تَكُونُوا أَنْصَابَ الْفِتْنِ وَأَعْلَامَ الْبِدْعِ وَالزُّمُومَا عَقِدَ عَلَيْهِ حَبْلُ الْجَمَاعَةِ وَبَيْتٌ عَلَيْهِ أَرْكَانُ الطَّاعَةِ؛^۲ پس سعی کنید که شما پرچم فتنه‌ها و نشانه‌های بدعت‌ها نباشید و آنچه را که پیوند امت اسلامی بدان استوار و پایه‌های طاعت بر آن پایدار است، بر خود لازم شمارید.

اجتماع برای وحدت پیدا کردن، زمینه‌های مشترک را می‌یابد و بر آن پیمان می‌بندد و استوار می‌شود. تا تفرقه‌اندازان موفق به ایجاد شکاف نشوند. وحدت در حرف حاصل نمی‌شود، بلکه در عمل ایجاد می‌گردد و در این فراز است که امام علیه السلام می‌فرماید «الزموا»؛ یعنی عمل کنید و مقید شوید به آنچه وحدت مسلمین را ایجاد می‌کند. آنچه موجب پیروزی می‌گردد، سه چیز است: اسلام، وحدت کلمه و رهبری.

۱۰. هوشیاری

یکی از راه‌های مقابله با فتنه، هوشیاری در برابر فرصت‌طلبان و فتنه‌انگیزان است. امام علیه السلام در جمله‌ای حکیمانه و ارزشمند، پیروان خود را به هوشیاری و زیرکی فرا خوانده و به همکاری نکردن با فتنه‌گران و تأیید و تقویت نمودن افکار و اهداف منحرف آنان امر فرموده‌اند، تا به این وسیله فتنه‌ها تضعیف شود و از بین برود:

كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابِنِ اللَّبُونِ لَا ظَهْرَ فَيْرُكَبِّ وَلَا ضَرْعَ فَيِّحَلَبَ؛^۳ در فتنه‌ها، چونان شتر دو ساله باش؛ نه پشتی دارد که سواری دهد و نه پستانی تا او را بدوشند.

جملات فوق اشاره به این مطلب دارد که انسان در فتنه با زیرکی و هوشمندی حرکت کند؛ نه به فتنه‌گران سواری داده و نه به آن‌ها باج دهد؛ در عین حالی که ناظر فتنه‌هاست، خود را از آلوده شدن حفظ نماید. رفتار انسان در هنگام فتنه باید به گونه‌ای باشد که فتنه‌انگیزان نتوانند بر او طمع برند و او را

۱. مکارم شیرازی، ناصر؛ پیشین؛ ج ۶، ص ۳۷.

۲. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۵۱.

۳. همان؛ حکمت ۱.



نردبانی برای رسیدن به امیال خویش ببینند.^۱

جمع بندی

یکی از مسائلی که ممکن است در جامعه اسلامی به وقوع بپیوندد، «فتنه» است؛ به خصوص به دلیل آن که شرایط زیست و ادامه حیات برای نفاق در جامعه دینی آماده تر است، فتنه نیز بیشتر گریبان گیر جوامع اسلامی است. در این پژوهش، انگیزه های فتنه و راه های تقویت و ایمن سازی جامعه در مقابل فتنه گران ارائه شده است؛ با استفاده از نوع برخورد امیرالمؤمنین علیه السلام با فتنه های دوران خویش، می توان این شیوه و راه های مقابله با آن را در جامعه امروز به کار برد.

انگیزه های فتنه عبارتند از: پیروی از هوای نفس، دنیاپرستی و قدرت گرایی خواص بی بصیرت، ثروت گرایی، تفرقه و برتری جویی.

مهم ترین شیوه های برون رفت از شرایط فتنه نیز با توجه به رهنمودهای امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه عبارتند از: راه مقابله با فتنه عمل بر اساس تقوا، تمسک به قرآن کریم، تمسک به اهل بیت علیهم السلام و اطاعت از رهبری الهی، شناخت مراکز فتنه و افشای اهداف آنان، ثبات قدم و قاطعیت در برخورد با منحرفان، تقویت بصیرت سیاسی، تکیه بر اصول و معیارها، حفظ اتحاد و یکپارچگی و پایبندی به قانون و هوشیاری.

۱. شریفی، احمد؛ پیشین؛ ص ۱۵۲.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. آمدی، عبدالواحد؛ غررالحکم و دررالکلم، بی‌جا: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۶ق.
۳. ابن ابی‌الحدید، عزالدین عبدالحمید ابوحامد؛ شرح نهج‌البلاغه، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم؛ قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق، ۲۰ج.
۴. ابن اثیر، محمد؛ الکامل فی التاریخ، بیروت: دار التراث العربی، بی‌تا.
۵. ابن سعد، محمد؛ الطبقات الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۶. ابن فارس، ابوالحسین احمد بن زکریا؛ ترتیب مقایس اللغة، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ش، ۶ج.
۷. ابن منظور، محمد؛ لسان‌العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی (موسسه التاریخ العربی)، ۱۴۱۶ق، ۱۰ج.
۸. ابوالقاسمی، محمد جواد؛ موج در موج، تهران: عرش پژوه، ۱۳۸۵ش.
۹. الموتی، محسن؛ «راه‌های خروج از فتنه در جامعه اسلامی»، مکاتبه و اندیشه، شماره ۳۸، ۱۳۹۰ش.
۱۰. بحرانی، ابن میثم؛ شرح نهج‌البلاغه؛ بی‌جا: دفتر نشر کتاب، ۱۳۶۲ش.
۱۱. بلاذری، احمد بن یحیی؛ جمل من انساب الاشراف؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۱۲. جعفری، محمد تقی؛ ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ش، ۲۰ج.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۴ق، ۱۰ج.
۱۴. حلی، ابن‌ادریس؛ السرائر، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۱ق.
۱۵. خزازی قمی رازی، علی بن محمد؛ کفایة‌الاثر فی النص علی الائمة‌الاثنی‌عشر، قم: انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۷ش.
۱۶. خوروش، عارفه؛ «علل پیدایش و راه‌های نجات از فتنه‌ها در حکومت اسلامی در آینه کلام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام»، معرفت، سال بیست‌ویکم، شماره ۱۸۱، ۱۳۹۱ش.
۱۷. خوبی، حبیب‌الله؛ منهج البراعة فی شرح نهج‌البلاغه، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۵۸ش.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن، قم: منشورات طلیعة‌النور، ۱۴۲۹ق، ۲ج.
۱۹. رضی، محمد بن حسین؛ نهج‌البلاغه، شرح محمد عبده، قم: انتشارات مشهور، بی‌تا.
۲۰. _____، مترجم: محمد دشتی، قم: نشر حبیب، ۱۳۸۷ش.
۲۱. سلیمانی، جواد؛ «نقش خواص در تضعیف حکومت علی علیه‌السلام»، معرفت، شماره ۲۵، ۱۳۸۱ش.
۲۲. شریفی، احمد؛ موج فتنه از جمل تاجنگ نرم، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۰ش.
۲۳. شوشتری، محمد؛ بهج الصباغه فی شرح نهج‌البلاغه، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶ش.
۲۴. طریحی، فخرالدین؛ مجمع‌البحرین، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش.





۲۵. طیبی، علیرضا؛ «شیوه فرهنگی تقابل و مبارزه مسلمانان با فتنه‌گران از منظر نهج البلاغه»، معرفت، سال بیستم، شماره ۱۶۷، ۱۳۹۰ش.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق، ۴ج.
۲۷. فیض الاسلام، سید علی نقی؛ ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: نشر فیض الاسلام، ۱۳۷۹ش، ۶ج.
۲۸. قرشی، سید علی اکبر؛ مفردات نهج البلاغه، تهران: نشر قبله، ۱۳۷۷ش.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الاصول من الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی تا، ۴ج.
۳۰. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار لدرر الجامعه ائمه الاطهار، تهران: مکتبه الاسلامیه، بی تا، ۱۱۱ج.
۳۱. مصطفوی، حسن؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب؛ ۱۳۶۰ش.
۳۲. مطهری، مرتضی؛ جاذبه و دافعه امام علی (علیه السلام)، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۶ش.
۳۳. مغنیه، محمد جواد؛ فی ظلال نهج البلاغه، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۵۸ش.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر؛ پیام امام امیرالمؤمنین (شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه)، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ش.
۳۵. منقری، نصر بن مزاحم؛ وقعة صفین، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، بی تا.
۳۶. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت؛ فتنه و فتنه‌گران (با نگاهی به نهج البلاغه امام علی)، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
۳۷. یساقی، علی اصغر؛ فتنه از نگاه قرآن و حدیث، تهران: نشر تاریخ فرهنگ، ۱۳۸۰ش.
۳۸. یعقوبی، محمد بن اسحاق؛ تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ش، ۲ج.